گزارش

رودررویی با ناخودآگاه

یونگ را باید در زمره اندیشمندان بزرگ و پیشگامی محسوب کرد که در چند دهه اول قرن بیستم، از راه پژوهش‌ها و تالیفات و سخنرانی‌هایی بسیار تاثیرگذار، حقیقتی را درخصوص سرشت انسان ثابت کرد که امروزه از نظر ما، انسان‌هایی که در اوایل قرن بیست‌ویکم زندگی می‌کنیم، دیگر موضوعی بدیع و حیرت‌آور تلقی نمی‌شود.

نشست هفتگی شهرکتاب به بررسی اندیشه یونگ اختصاص داشت که با حضور گسترده اهل اندیشه و ادب برگزار شد.

در ابتدای نشست، علی اصغر محمدخانی به آثاری که از یونگ به فارسی ترجمه شده است اشاره کرد و گفت: با آنکه فروید در ایران شناخته‌شده‌تر است ولی آثار یونگ و نیز کتاب‌هایی که درباره یونگ به فارسی چاپ شده، بیشتر است ولی هنوز برخی از آثار کلیدی یونگ به فارسی ترجمه نشده است. وی به زندگینامه خود نوشت یونگ با عنوان «زندگی، خاطرات، رویاها و اندیشه من» اشاره کرد که به فارسی ترجمه شده و از آثار مهم یونگ است که چند ماه پس از مرگ او در سال ۱۹۶۱ انتشار یافت.

محمدخانی افزود: یونگ در این اثر به شیوه خودکاوی دست می‌زند که او را بر آن می‌دارد که در عین حال موضوعات کار علمی خود و تکوین و تحول آن را بادقت و موشکافی تمام شرح دهد و بحرانی عجیب را بازگو کند که در ۱۹۲۴ در طی آن، زمانی میان مرگ و زندگی می‌ماند و او را به یک سلسله اندیشه‌های دیررس می‌کشاند که در آن از خود درباره دانش انسان و چیزهایی که به خاطر نمی‌آید سئوال می‌کند و این حسب‌حال یونگ به سرعت به صورت یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های جهان درمی‌آید.

محمدخانی به دیگر آثار یونگ اشاره کرد و گفت: اندیشه‌های یونگ در پزشکی، روانکاوی، فلسفه و نقد ادبی تاثیر گذاشته است و شناخت دقیق افکار و آرا برای دانشجویان رشته‌های علوم انسانی لازم است.

پس از آن دکتر حسین پاینده درباره کهن‌الگو تصریح کرد: کهن‌الگو یکی از سه مفهوم عمده‌ای است که روانشناسی تحلیلی یعنی مکتب یونگ را از روانکاوی یعنی مکتب فروید متمایز می‌کند. البته خود یونگ در کتابی به نام روانشناسی و دین توضیح می‌دهد که مفهوم کهن‌الگو را از متفکران و فیلسوفان دیگری به عاریت گرفته است و به طور خاص به نیچه اشاره می‌کند. جیمز فریزر نیز در کتاب دوازده جلدی شاخه زرین، از مفهوم کهن‌الگو کمک گرفت تا بازتاب اسطوره‌ها را در آئین‌ها و مراسم متداول در فرهنگ‌های مختلف بشری دنبال کند.

وی درخصوص نحوه شکل‌گیری نظریه یونگ یادآور شد: نظریه یونگ درباره کهن‌الگو در سه مرحله شکل گرفت: در سال ۱۹۱۲ که یونگ در آثارش از ایماژهای ازلی صحبت کرد، ایماژهای ازلی دقیقاً کهن‌الگو نیست اما شاید مرحله آغازین برای طرح اندیشه یونگ بود. منظور او از ایماژهای ازلی، ایماژهایی بود که او از تحلیل بیمارانش به آنها دست یافته بود و هم از طریق خودکاوی و تحلیل روان خودش. به اعتقاد یونگ این کهن‌الگوها از طریق ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر به همه ابنای بشر انتقال می‌یابند. در ۱۹۱۷ یونگ به عناصر غالب غیرشخصی در روان اشاره کرد. اینجا بود که کاملاً از فروید متمایز شد چون فروید به ضمیر ناخودآگاه فردی قائل بود. یونگ استدلال کرد که این عناصر نیروی روان را به خودشان معطوف می‌کنند و در نحوه رفتار اشخاص تاثیر می‌گذارند. فقط از سال ۱۹۱۹ بود که یونگ اصطلاح کهن‌الگو را به کار برد. اصطلاح آرکی‌تایپ از دو جزء تشکیل شده است: آرکی به معنای خاستگاه و دلیل و تایپ به معنای سنخ و نوع و مراد یونگ این بود که ذهن تک‌تک ما میراثی از گذشتگان دارد بی‌آنکه ما متوجه باشیم. به اعتقاد او این ضمیر ناخودآگاه جمعی و ایماژهایش که کهن‌الگو نام دارد در اسطوره، ادبیات، دین و هنر راه می‌یابد. البته یونگ اعتقاد داشت که خواب‌های ما هم متاثر از همین کهن‌الگوها است و در اینجا نیز از فروید متمایز شد. چون فروید تا حد بسیاری این رویاها را واجد ماهیت لیبیدویی یا جنسیتی می‌دانست اما یونگ تاکید بر جنسیت را بسیار کمرنگ کرد.

دکتر پاینده در ادامه افزود: کهن‌الگو مفهومی روان‌تنی است که ارتباط بدن با روان و غرایز را با تصاویر ذهنی، برجسته می‌کند. کهن‌الگوها در تجربیات جهان‌شمول بشر، متبلور می‌شود. به عبارتی کهن‌الگو، همان سمبل است که حیطه جهانی یافته است. در ادبیات هم منظور از کهن‌الگو تجربه‌های بنیانی بازنمایی شده در آثار ادبی است. بنابراین، درونمایه‌ها، پی‌رنگ و شخصیت‌های کهن‌الگویی می‌توانند وجود داشته باشند. شخصیت کهن‌الگویی شخصیتی است که در هر بخشی از جهان می‌تواند وجود داشته باشد و رفتار او برای هر خواننده‌ای صرف نظر از فرهنگش می‌تواند معنادار باشد. عناصر تکرار شونده را در ادبیات، اغلب با اصطلاح کهن‌الگو مشخص می‌کنیم. پس منظور از کهن‌الگو، خاطره نژادی بشر است. این خاطرات موجد نگرش‌ها و احساساتی به طور ناخودآگاه در ما می‌شوند که هیچ تبیین منطقی درخصوص آنها وجود ندارد. مطرح شدن این ایده‌ها در فواصل سال‌های ۵۰-۱۹۳۰ منجر به مطرح شدن نقد یونگی یا کهن‌الگویی یا اسطوره‌ای شد.

دکتر پاینده درخصوص عناصر مشترک در نقاشی‌های گوناگون تصریح کرد: در نقاشی‌های متفاوتی که افراد گوناگون در فرهنگ‌های مختلف کشیده‌اند عناصر مشترکی می‌توان یافت که دلالت بر حافظه نژادی دارد که از فرد فراتر می‌رود و به همه مرتبط می‌شود. اگر در نقاشی عنصر غالبی هست حتماً می‌توان آن را از نظر ضمیر ناخودآگاه جمعی بررسی کرد.

چون روزگار دنیا سپری شود

علامه حسن مصطفوی

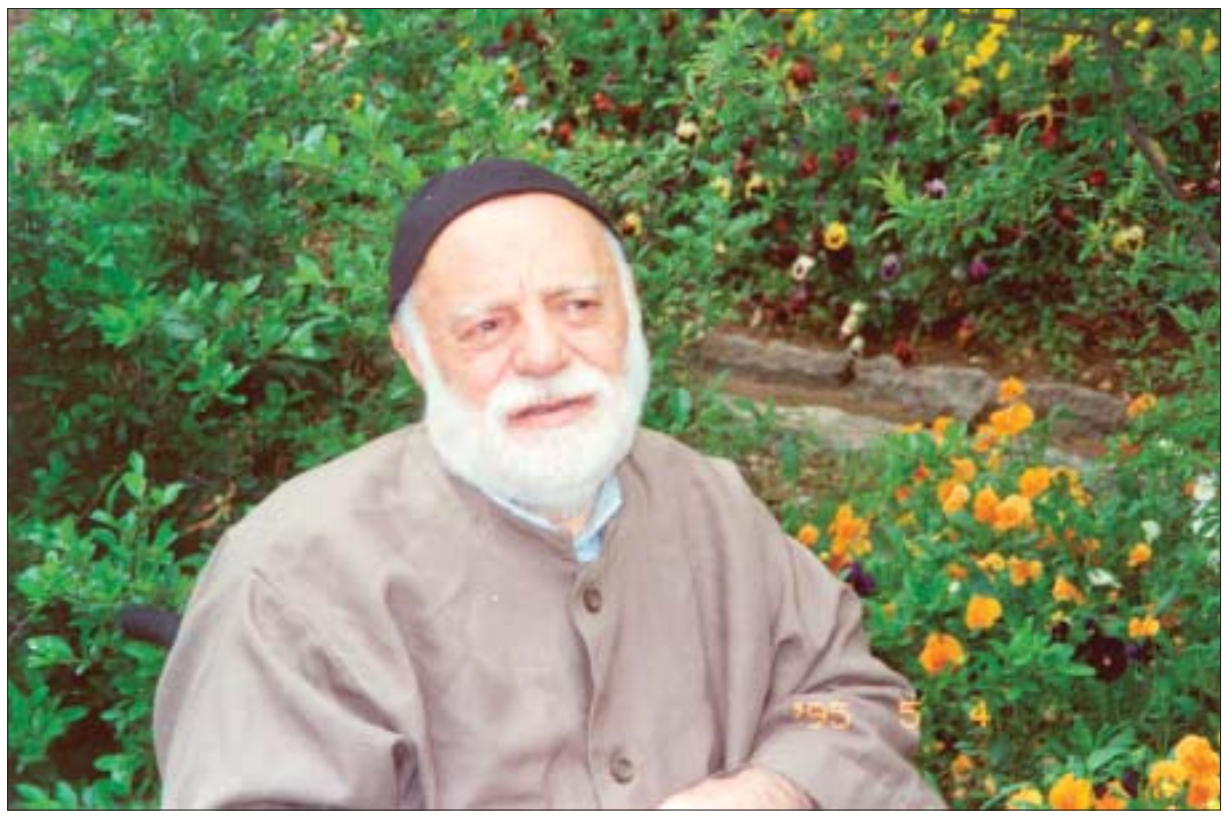

علامه حسن مصطفوی در سال ۱۲۹۷ و در روز چهارم شعبان در شهر تبریز به دنیا آمد. دوران کودکی را در شهر تبریز در محضر پدر بزرگوارش آقا شیخ عبدالرحیم زندگی کرد. مادرش فاطمه و مادر بزرگش از سلسله سادات صحیح‌النسب و جلیل‌القدر تبریز بوده‌اند. او در سن ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسیده بود که به تائید و نوشته مراجع تقلید بزرگ آن زمان، مجتهدی آگاه و انسانی معنوی معرفی گشته و ضمناً در همین سن موفق به اخذ دکترای الهیات هم شد. او اولین کتابش را در سن ۲۴ سالگی به نام رهنمای گمشدگان نام گذاشته و تالیف کرده که یکی از بهترین نوشته‌ها در سیر و سلوک است. علامه مصطفوی تالیفات و نوشته‌هایی بیش از پنجاه جلد کتاب دارد. نوشته‌های ایشان در زمینه‌های مختلف علوم الهی است: تحقیق در واژه‌ها و لغات قرآن؛ تفسیر قرآن و کلمات خداوند به طوری که تمامی کلمات خداوند، منظور و معنای واقعی و حقیقی اش مشخص و روشن شده است و تمامی احتمالات و معانی و تفاسیر سست مردود شناخته شده است؛ تاریخ اسلام؛ تحقیق راجع به زندگانی و فرمایشات و سیره و روش امامان معصوم (ع)؛ تحقیق راجع به دیگر ادیان الهی؛ علم کلام؛ علم رجال؛ علم اخلاق؛ عرفان و سیر و سلوک؛ حقایق و معارف الهی. آنچه در پی می‌آید دست نوشته‌ای منتشر نشده از ایشان است که در پاسخ به فردی نگاشته شده که از ایشان پرسش‌هایی در باب مسائل الهیاتی داشته است.

اول- بنده از سابق علاقه به مباحث قرآنی داشتم و مقید بودم که روی دقت و تحقیق کامل در وسع خودم، مطالب را بررسی کنم و روی این برنامه در مرتبه اول رساله نوریه مرحوم علامه شیخ محمدهادی تهرانی نجفی را ترجمه و شرح کردم (به نام اشعه نور) و سپس سوره‌های دیگری را شرح و تفسیر نوشتم که از آنها تفسیر سوره حشر در دو جلد که چاپ شده است و پس از آن شروع کردم به کتاب التحقیق فی کلمات القرآن، که معانی حقیقی کلمات مستعمل در قرآن مجید روی عقیده خودم که در قرآن هست، استخراج شده است و خصوصیات آن کتاب در رساله- روش علمی ترجمه و تفسیر- توضیح داده شده است.

و پس از توفیق پیدا کردن اتمام آن در چهارده جلد که چاپ شده است، شروع کردم به تفسیری (به نام تفسیر روشن) که یازده جلد آن نوشته شده است و جلد اول آن مطبوع است و در مقدمه آن خصوصیات کتاب نوشته شده است.

و از امتیازات این تفسیر یکی آنکه در جمیع جهات (لغات، تفسیر، ادبیات، احتمالات، اقوال) قاطع است و موردی برای تردید ندارد و نباید در کتاب آسمانی تردید و احتمال و اختلافی باشد.

دوم - اخذ به ظواهر قرآن مجید: اگر منظور ظواهر جملات و لغات و تعبیرات باشد که در میان عموم متفاهم است، این معنی در هیچ کتاب علمی و دقیق صحیح و معقول نیست.

زیرا کتابی که محتوی دقایق مباحث و حقایق معارف و علوم انسانی باشد، ممکن نیست در سطح عقول و افهام عامه تدوین بشود.

و مخصوصاً کتاب آسمانی که برای هدایت افکار همه طبقات نازل می‌شود: لازم است طوری باشد که قابل پیاده شدن در وجود همه افراد بوده و هر کسی در مقام خود بتواند از آن استفاده کند.

و استفاده کردن در سطح ظواهر جملات هرگز برای خواص و دانشمندان مفید و نتیجه‌بخش نخواهد بود.

و کتابی که در ارتباط هدایت افکار است، قهراً از مسائل سوق انفس به جهان ماورای ماده و تربیت قلوب و تهذیب و تکمیل نفوس و از لطایف و دقایق عوالم ماورای طبیعت و مخصوصاً از مباحث مربوط به لاهوت بحث خواهد شد و این مطالب چگونه با ظواهر تعبیرات قابل تفاهم باشد.

و اما تاویلات صحیح: لازم است به دلالت الفاظ و از مصادیق کلمات و از مفاهیم کلی آنها باشد و هر تاویلی را نباید مورد توجه قرار داد.

سوم- تعارض ظاهری: برای رفع و حل این اشکال لازم است معانی حقیقی کلمات از لحاظ لغت معین شده و مفهوم کلی و مصادیق آن کاملاً روشن شود. (رجوع شود به کتاب التحقیق) و سپس حقیقت آن مفهوم از لحاظ طبیعی و یا از جهت ماورای ماده به دقت رسیدگی و معین شود و در عین حال خصوصیت و محدوده مفهوم آن اصل عقلی نیز در نظر گرفته شده و جهت تعارض برطرف شود.

و به طور مسلم اگر طرفین هر دو قطعی، روشن و صریح باشند، لازم می‌شود ضوابط تعارض و ترجیح اجرا شود، مانند قاعده تخییر.

و چنین تعارضی بسیار نادر واقع می‌شود که با تحقیق برطرف خواهد شد.

و در این مورد رفع تعارض به وسیله تحقیق در دلالت احد طرفین واقع خواهد شد.

و اما مرز حجیت ظواهر قرآن مجید: تا جایی است که برخورد به دلیل قطعی عقلی و یا دلیل لفظی صریح مسلم نباشد.

و در فهم این قاطعیت (عقلی و یا لفظی) شرط است که آگاهی از حقایق و معارف الهی (به نحو شهود) موجود باشد و آگاهی از راه تحصیلی و اکتسابی کافی نیست، زیرا در معارف تحصیلی صدها اختلاف و ابهام وجود دارد و ممکن نیست حقایق الهی را کماهو حقه بدون شهود درک کرد.

و آنچه بنده یقین دارم اینکه حقایق قرآن مجید از راه تحصیلی و نظری و علوم رسمی و استدلال قابل درک نیست، چنان که از تفاسیر رسمی به جز اختلاف و ابهام چیزی در این مسائل به دست نمی‌آید.

و ما یتعلم تاویله الا الله والراسخون فی العلم - آل عمران- ۷.

چهارم- اما اختلاف تفاسیر و تاویلات: به طوری که گفتیم از دو چیز حاصل می‌شود؛ (نرسیدن به مفهوم حقیقی کلمه از کلمات قرآن مجید و آگاه نشدن و بی‌اطلاعی از حقایق و معارف شهودی الهی) و در نتیجه واقعیت‌ها و حقایق مطابق افکار و آرای شخصی تفسیر و ترجمه می‌شود.

فماذا بعدالحق الاالضلال فانی تصرفون - یونس- ۳۲.

پس هر تاویلی باید برگشت آن به معنای حقیقی کلمه باشد و اگر نه نباید مورد توجه واقع بشود و اقلاً باید انسان سکوت کند.

و تاویل: عبارت است از ارجاع مفهوم کلمه به مصادیق و مقاصدی که منظور می‌شود، به شرط قابل انطباق بودن آن مفهوم به مورد.

پس در تاویل شرط است که مفهوم حقیقی کلمه معلوم شود و در مرتبه دوم باید آن مفهوم قابل انطباق با آن مورد تاویل گردد.

پنجم- مراتب هستی و تفسیر انفسی: مراتب هستی یعنی تجلیات تکوینی و ظهور موجودات در خارج مراتبی پیدا می‌کند که به ترتیب- مرتبه مجردات و عقول و ارواح، مرتبه ملائکه و مرتبه انسان و مرتبه حیوان و مرتبه نباتات و مرتبه جمادات است.

و این مراتب در وجود انسان از ابتدای تکون ظهور پیدا کرده (جمادی، نباتی، حیوانی، انسانی، ملکی، روحی) تا می‌رسد به مقامی که محو و فانی نور لاهوتی گردد.

این معنی یک حقیقتی است که در مقام تجلی هستی و پیدایش عوالم وجود، در مراتب مختلف به ترتیب ظاهر می‌شود.

و در تجلی کلمات نیز قهراً این مراتب دیده خواهد شد، زیرا برگشت سخن خواه و ناخواه منطبق به مظاهر خارجی و تجلیات هستی خواهد شد.

و در قرآن مجید که ظهور و کلمات و تجلی سخنان و آشکار شدن مطالب و مقاصد لاهوتی است، قهراً این ارتباط و این مراتب و تجلیات دیده خواهد شد، زیرا برگشت کلام لفظی به کلمات انفسی و خارجی و تکوینی است.

و برای توضیح گفته می‌شود که مقام حقیقت لاهوت صرف حق بوده و هیچ‌گونه اسم و صفت و خصوصیتی در آنجا نیست، چنان که فرموده‌اند کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه- کمال اخلاص او نفی صفات است.

در مرتبه دوم که تجلی و ظهور صفات ذاتی است: صفت حیات و علم تجلی کرده و مرتبه ارواح مجرده ظاهر شود.

و در مرتبه سوم: تجلی اراده و قدرت است که عقول ظاهر گردند.

و این سه مرتبه را مرتبه لاهوت باید نامید.

و در مرتبه چهارم: تجلی صفات است با قید محدود بودن که انواع ملائکه به وجود آمده و ظاهر می‌شوند و این مرتبه را ماورای ماده و طبیعت گویند و در مرتبه پنجم از مرحله ارواح به طبیعت و ماده تعلق پیدا کرده و عالم انسان پدید آید (و نفخت فیه من روحی) که در اینجا محدودیت پیدا شده و هم وابستگی به طبیعت پدید آید.

و در مرتبه بعد (ششم و هفتم و هشتم) تعلق به ماده بیشتر شده و جهت روحانیت تضعیف خواهد شد.

و در قرآن مجید نیز این هشت مرحله تجلی خواهد کرد.

و بطون قرآن مجید همین ۹ مرحله از لاهوت و تجلیات لاهوتی است که باید از راه رسوخ و شهود در آنها نظر شود نه دید ظاهری.

ششم- کلمه سبع در مکالمات عربی و مخصوصاً در لسان آیات و روایات در مقام اشاره به کثرت استعمال می‌شود و سبعین مرتبه بالای سبع است، رجوع شود به التحقیق ـ سبع.

و اما بطون قرآن مجید: گفته شد که تجلیات و مرتبه الفاظ پس از مرتبه تجلی تکوینیات خارجی است، یعنی کلمات ناظر به تکوینیات باشد و تا مرحله موجودات خارجی روشن نشود، مفاهیم الفاظ روشن نخواهد شد و روشن شدن مفاهیم خارجی بسیار متفاوت است، چنان که در علوم حیوان‌شناسی، گیاه‌شناسی، ستاره‌شناسی و زمین‌شناسی این معنی کاملاً روشن می‌شود و نظر به شناختن این موجودات است از لحاظ ارتباط آنها با ماورای طبیعت و نشان دادن آنها است عظمت و صفات قدرت و علم پروردگار متعال را.

پس هرچه در شناسایی این موجودات عمیق‌تر و در جهت نشان دادن آنها دقیق‌تر و نافذتر باشند: قهراً در مرحله بطون آیات کریمه قرآن مجید متوجه‌تر و روشن‌تر خواهند شد، مخصوصاً که در مراتب موجودات عوالم ماورای طبیعت (چون روح و نفس و ملائکه و عقول) صورت بگیرد.

و در این مورد مراتب عرضیه و طولیه موجودات هر دو مورد نظر می‌شود.

پس در رابطه معرفت پیدا کردن به این موجودات علوی و یا سفلی از مرتبه ابتدایی تا مراحل نهایی می‌توان مراتب بسیار زیادی را به شمار آورده و طبقه‌بندی کرد و مراتب معنوی و بطنی از مراتب ظاهری بیشتر و وسیع‌تر و عمیق‌تر باشد.

خلاصه مطلب

۱- کتابی که در ارتباط هدایت افکار است، قهراً از مسائل سوق انفس به جهان ماورای ماده و تربیت قلوب و تهذیب و تکمیل نفوس و از لطایف و دقایق عوالم ماورای طبیعت و مخصوصاً از مباحث مربوط به لاهوت بحث خواهد شد و این مطالب چگونه با ظواهر تعبیرات قابل تفاهم باشد.

۲- یقین دارم اینکه حقایق قرآن مجید از راه تحصیلی و نظری و علوم رسمی و استدلال قابل درک نیست چنان که از تفاسیر رسمی به جز اختلاف و ابهام چیزی در این مسائل به دست نمی‌آید.

هفتم- قول محی‌الدین است که قرآن در روز قیامت دست نخورده و بکر محشور می‌شود: مقصود ایشان اشاره به همان تجلیات لفظی قرآن مجید و بطون سبعین است که احاطه علمی و شهودی با آنها برای غیرخداوند متعال ممکن نیست و در حقیقت احاطه به صفت ذاتی علم نامحدود الهی باشد و هر کسی در این جهت به آن اندازه‌ای که خداوند متعال تعلیم فرموده است می‌تواند معرفت پیدا کند، نه نامحدود.

آری کلمات خداوند متعال مظهر علم نامحدود او است- قل لوکان البحر مداداً لکمات ربی لنفدالبحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا به مثله مدداً ـ کهف- ۱۰۹.

و قیامت به معنی فعلیت پیدا کردن است و چون روزگار دنیا سپری شود، هر کسی با آن اندازه‌ای که در طول زندگی مادی خود (از علم و معرفت، تحصیلی یا حضوری به دست آورده است) محدود و محصور خواهد شد.

و تفاسیر هم در محدوده علم و معرفت شخص مفسر نوشته می‌شود و زحمات همه آنان قابل تقدیر و تجلیل است.

و خود محی‌الدین هم با آن مقام علمی چون به آیات قرآن مجید می‌رسد، فکرش محدود شده و در هر موردی نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند.

و قل رب زدنی علماً- طه- ۱۱۴.

هشتم- محکم و متشابه: محکم به معنی قطعی و یقینی و متقن است و در مقابل آن متشابه است که صریح و روشن نشده و وجوه مختلفی پیدا کند.

البته روشن بودن و وجوه مختلف پیدا کردن با فهم و نظر و معرفت اشخاص فرق می‌کند و به طور مسلم بسیاری از متشابهات در نظر افراد با معرفت روشن و متقن است و بسیاری از محکمات نیز در مقابل فهم افراد عادی متشابه می‌شود.

و هر اندازه‌ای که قلب انسان روشن و منور به نور ایمان باشد: بهتر می‌تواند از آیات قرآن مجید استفاده کند و در محدوده نورانیت باطن خود به حقایق قرآن مجید و متشابهات آن توجه پیدا می‌کند.

و باید توجه شود که: این رشته هیچ‌گونه مربوط به علوم رسمی و متداول نیست، یعنی پس از آگاهی لازم از علوم متداول باید نورانیت باطن و ارتباط معنوی با عالم غیب پیدا شود تا بتواند از حقایق و از صفات عالم لاهوت و از معارف الهی بهره‌مند گردد.

نهم- پاسخگوی نیازهای بشری بودن: باید توجه داشت که نیازهای انسان از دو جهت باید تامین گردد: جنبه روحی و جنبه مادی و به طوری که در ذیل سئوال پنجم گفته شد تجلیات لفظی شامل همه مراتب هستی (مادی و روحانی) می‌شود، پس قرآن مجید به همه جهات مراتب هستی از مادی و معنوی شامل گشته و به همه امور ناظر باشد، البته به طور فشرده و جامع و لازم و کلی، به طوری که موضوعی نیست که مورد نیاز بشر است خواه در امور مادی دنیوی و یا در امور معنوی اخروی، مگر آنکه در آن جهت حکم و دستوری وارد شده است و هر کدام از آن دستورها می‌تواند عنوان قاطع و کلی برای بحثی مفصل و کتابی جامع باشد.

و در کتاب‌های اخلاقی و فقهی و معارف الهی در هر بابی به یک آیه مبارکی تمسک جسته و بحث خود را ادامه می‌دهند.

آری قرآن مجید محکم‌ترین و جامع‌ترین کتاب آسمانی است که از جانب خداوند متعال برای هدایت (هدی للمتقین) انسان‌ها در هر جهت خیر و صلاح، مادی و معنوی، نازل شده است.

و شرط استفاده از آن را تقوا قرار داده است، یعنی خودداری کردن و محافظت نفس از خواهش‌های نفسانی و نگهداری خود از اعمال و خوی‌های حیوانی و راه کمال و سعادت را در پیش گرفتن.

دهم- آنچه در عصر حاضر مورد توجه باشد: در این عصر و بلکه در همه اعصار آنچه مهم و در راس مطالب انسانی و الهی است: موضوع توجه به خداوند متعال و به دست آوردن اخلاص و حذف برنامه خودبینی است، زیرا خودبینی در مقابل خدابینی باشد و یک فرد و یا جامعه وقتی که توجه او به خودستایی و خودنمایی شد، هرگز ممکن نیست که توجه واقعی به خداوند داشته و در امور خود خدا را ببیند.

مخصوصاً افرادی که در راس هر رشته و در هر تشکیلاتی خود را ستوده و برای عنوان خود کوشش می‌کنند: نه تنها خود را منحرف و محروم از حق و خیر می‌کند و بلکه همه افرادی را که در زیر دست او هستند، از حقیقت توحید و خداشناسی محروم و دور ساخته و روح بت‌پرستی را در وجود آنها تقویت می‌کند.

و بزرگترین برنامه برای تربیت مردم و تقویت روح خداپرستی و توحید اینکه پیشوایان ملت موحد واقعی شده و از خودپرستی و خودنمایی و خودستایی بپرهیزند، یعنی عملاً مردم را به سوی توحید و خداپرستی و توجه به خلوص دعوت کنند.

و بسیار جای تاسف است که: اخلاص و توجه خالص به حق در این زمان ریشه‌کن می‌شود و به جای آن دنیاپرستی و خودپرستی رواج پیدا کرده و حتی در همه مجامع جلوه کرده و در پشت سر آن سلوک می‌کنند.

و عجب اینکه این همه ابتلائات و گرفتاری‌های مادی و معنوی که مواجه مردم ما می‌شود، نمی‌دانیم که سرچشمه آنها از کجا است و چون از خداوند متعال غفلت می‌کنیم، خدا هم ما را به حال خود می‌گذارد.

نعوذبالله من شرور انفسنا

۱۷ ماه مبارک ۱۴۱۴- هـ . ق

خبرها

انجمن علمی فلسفه و حکمت اسلامی

آفتاب‌نیوز: دانشجویان گروه فلسفه دانشگاه قم انجمنی را با عنوان «انجمن علمی فلسفه و حکمت اسلامی» تشکیل داده‌اند. این انجمن برای بازتاب فعالیت‌های خود یک وبلاگ گروهی را نیز اختصاص داده است. اخیراً اعضای این انجمن در نشست صمیمانه‌ای با حضور مدیر گروه مربوطه «جناب آقای دکتر الله‌بداشتی» به گفت‌وگو و تبادل نظر پرداختند. علی‌زمانی، عابدی، دیرباز، جوادی، ایزدپناه و شاهرخی از دیگر اساتید گروه فلسفه دانشگاه قم هستند که در کنار دانشجویان این انجمن را یاری می‌دهند. گفتنی است این انجمن دارای یک وبلاگ گروهی است که به آدرس زیر قابل بازدید است:
www.philosophers.blogfa.com

پس از ۲۵ سال ترجمه تاریخ فلسفه کاپلستون ناتمام است

آفتاب‌نیوز: جلد نهم تاریخ فلسفه کاپلستون توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و ترجمه عبدالحسین آذرنگ و سیدمحمود یوسف‌ثانی چاپ و منتشر شد. مجموعه ۹ جلدی «تاریخ فلسفه کاپلستون»، در کشور ما، دردانه است. هم مرجع درسی دانشجویان فلسفه و هم مرجع تدریس بسیاری از اساتید آنها، از دوره لیسانس تا دکترا است. اما متاسفانه پس از گذشت حدود ۲۵ سال از شروع ترجمه این مجموعه، از سوی دو ناشر دولتی (انتشارات سروش و انتشارات علمی و فرهنگی)، کماکان ترجمه مجلدات دوم و سوم آن که به فلسفه در دوره قرون وسطی و رنسانس مربوط می‌شوند، منتشر نشده‌اند. با این وجود، خوشبختانه کتاب مستقل کاپلستون درباره این دوره با عنوان دیباچه‌ای بر فلسفه قرون وسطی با ترجمه مسعود علیا و از سوی نشر ققنوس در سال ۸۳ منتشر شد. جلد نخست این مجموعه در سال ۱۳۶۲ با ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی روانه بازار شد و بالاخره امسال، پس از گذشت ۲۳ سال، همزمان با نمایشگاه بین‌المللی کتاب، جلد نهم تاریخ فلسفه کاپلستون توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و ترجمه عبدالحسین آذرنگ و سیدمحمود یوسف‌ثانی چاپ و منتشر شد. ترجمه بخش اول این کتاب را عبدالحسین آذرنگ و ترجمه بخش دوم آن را دکتر سیدمحمود یوسف‌ثانی برعهده داشته‌اند. جلد نهم این کتاب مربوط به تاریخ فرانسه در قرن بیستم است که در بخش اول تاریخ فلسفه نیمه اول قرن بیستم فرانسه و در بخش دوم تاریخ فلسفه نیمه دوم قرن بیستم این کشور بررسی شده است. بخش اول این کتاب به فلسفه نوکارتی‌ها و فلسفه برگسون مربوط می‌شود و بخش دوم دارای مدخل‌های فراوانی است و این به دلیل آن است که کاپلستون در این بخش از یک‌سو تاریخ فلسفه علم در فرانسه را بررسی کرده و از سوی دیگر مطالعات دینی و فلسفه‌های جدید نظیر اگزیستانسیالیسم در فرانسه را با شعب دوگانه آن یعنی اگزیستانسیالیسم دینی و غیردینی مورد مطالعه قرار داده است.

پیشرفت تاریخی مسلمانان تا زمان ابن خلدون

مهر: نشست «پیشرفت تاریخی مسلمانان تا زمان ابن‌خلدون» دوشنبه ۲۲ خرداد به منظور بررسی دیدگاه‌ها و افکار ابن‌خلدون در اردن برگزار می‌شود. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از الدستور در نشست «پیشرفت تاریخی مسلمانان تا زمان ابن‌خلدون» که قرار است دوشنبه ۲۲ خردادماه در اردن برگزار شود، دکتر محمد قجه اندیشمند و محقق سوری سخنرانی می‌کند. ولی‌الدین ابوزید عبدالرحمن بن خالد (خلدون) در رمضان سال ۷۳۲ در تونس چشم به جهان گشود و در رمضان سال ۸۰۸ در سن ۶۷ سالگی در مصر درگذشت. ابن‌خلدون که در اصل از خانواده‌ای اندلسی (اسپانیایی) و ثروتمند و نزدیک به قدرت سیاسی بود، سالیانی پرتب و تاب را گذراند و در دربارهای تونس، مراکش و مصر به شغل دیوانی و قضاوت پرداخت و بارها عزیز و محترم و بارها مغضوب و مطرود و زندانی شد. وی که در کشورهای دیار مغرب اسلامی اقامت داشت، از سیاست و قضاوت تجربه‌ای گران اندوخت و این تجربه را به دانش دایره‌المعارفی گسترده خود در زمینه فلسفه، طبیعیات و علوم دینی گره زد و سرانجام به نوشتن تاریخ روی آورد. کتاب «تاریخ» ابن‌خلدون مشهور به «العبر» با عنوان کامل آن «العبر و دیوان المبتدأ و الخبر، فی ایام‌العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی‌السلطان الاکبر» (عبرت‌ها و دیوان مبتدا و خبر، درباره روزگار تازیان و ایرانیان و بربرها و قدرت‌های بزرگ معاصر آنها) نام دارد، اما این کتاب بیشتر با «مقدمه» آن شهرت دارد.

همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان

مهر: شیخ‌الازهر در دیدار با روسای کشورهای شرق آسیا با تاکید بر اینکه اسلام بر همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان تاکید دارد، خواستار رعایت و حفظ حقوق انسان‌ها در همه زمینه‌ها شد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از الدستور دکتر محمد سید طنطاوی شیخ‌الازهر از کشورهای شرق آسیا چون مالزی، اندونزی و سنگاپور بر ضرورت به‌کارگیری راهکارهای حمایت از کشورهای اسلامی و ارائه تحقیق و پژوهش در زمینه اسلام تاکید کرد. طنطاوی به ضرورت ارائه چهره واقعی اسلام و زدودن چهره نادرست آن اشاره کرد و گفت: اسلام دینی است که به همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان تاکید بسیاری دارد و خواستار احترام به حقوق انسان‌ها در همه زمینه‌ها است. وی با تاکید بر ارزش‌های دین اسلام و تمدن غنی این دین اظهار داشت: مسلمانان باید ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و پسندیده اسلام را به منظور اشاعه تسامح، عدالت و صلح اجرا کنند. طنطاوی همچنین ضرورت امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با افراط و ارعاب در تمامی مراحل زندگی مسلمانان را یادآور شد. شیخ‌الازهر یادآور شد: مسلمانان باید زمینه‌های پیشرفت، ترقی و رشد خود را در زمینه اقتصاد و تکنولوژی معاصر فراهم آورند.